

مسئول شهر دار وقت است

اگر بمرسدن آخر شهرداری مابان تکلیفات عریض و طولی بودجه کمی بود و در دوران سلامت چه بکنند؟ گفت تعجب منازک مسکونی و خانان نبودند صفا نواز مردم اینت مرکعت «از آن جمله است بمرسدن مسکن که همی کاندید میان بورس و زمانی برای اهتزاز و رغبت اختصاص و انتک قلسرو اشرار در زمان شیانه و حل ترگز انواع کثافات و زباله دانی مردم آن خوددست دیکر فعالیت و تکلیف از دیان افرا و مساکین و مجرم و درگیر ممانبر. اما کردی و همچنین در پیکر گاهداشتن سکوی ویزه هانی که از گرگشاههای عمومی دور افتاده محل ایاب ذهاب بکشدت مردم بیچاره مایقه سوم کبیس از تحمل هزاران ممتاب و زباله تا آبی و بیروافران و چوقو کشان صمد آزادی قدرت عبور از این مناطق و یاز گشت منزل خودرا ندارند آتی میر مرتضی برده دور نیرویس آتی هیچ ممتاب از جهتین بنگاه کندی هیرینی از میدان سیبغیان ناصر است و افتاده و مسکونی که از گرگشاههای عمومی مزبور بنام کوچه معاصره برپا مرفتت هیچ دین نبوده که علاوه بر برکت برای تبیح لاشی و زبانه جانی اسامی

نامه خلیل انقلاب

بنام حلت بی از ممتی سکت از گوشه زندان راناب ذیل و باطلاص صنف معلوم ایرانت میرسد که گزارشات نظرت و معینت برومه امر بلاخره نشان داد که در واقعه اخیر تریز میگویند حادثه ناگوار از طرف کور گران تریز و بد قاع قریب از دستگیری اینجانب سکه بطرز بسیار فیهیانه و وحشیانه بهم سله ماموریت و قوای مسلح دولتی انجام یافتت و نبوست بود. نکته مهم و اساسی اینست که تعرض قوای مسلح و کشتار سرگران مظلوم و غارت مرکز و تخریب اتحاد آتی پس از زبردن و آزار قوای اینجانب به تهران آغاز شده است. اینت اقدامات وحشیانه و بیرحمانه مهابین غارتگر برای تیل بقاصد شوم و خطرناک خود از ساعت نه عصر تا دوازده نصف شب ادامه و سیل خون در سراسر ایران خانه رنجبران جریان داشته است. ا دیوات و مقامات مسئولینت دار در قبال این فجاج جانکداز و صحنه های شوم آلود باهمه جلب و تعقیب تالین جنایتگر که سر دسته آتیان (دود) و لوق السلطنه و باورضی رئیس شهر برای میباشند احساس مامت هموی راجع به دار سانه و یاس ناوون اساسی را حفظ نکردند. از طرفی هم آزدیخواهان و مرفرداران رنجبران ایران چنانکه باید و شاید بوظاف خطیر انجمنی خود قیام نکردند و بعضی از آنها هم در سوا احساسات آزدیخواهانه و بی آلاش آزدیباچیان رنجبران را با افشرا بیایان و غمگسسی آلوده و طوری وانمود کردند که با کمال ناهنجاری با طیار داشت که صورت آرتاج و ارتجاع و موافق امیال مستبدین جریان یافت لیکن بقصد اعراض بر ریکر نایک ارتجاع بنام تقدیس از روح پاک شهیدی آزدیباچست از صبح سه شنبه ۳۱ مردانه بنیامست روز جمیل تلگر گران شهر و مظلوم تریز برای مدت نامعلومی که حد اقل آن کتر از سه روز نخواهد بود از خوردن هر نوع غذا واری و اعلام گرسنگی خواهد کرد. تا ا لک اینجانبی کی و چگونه مرتکبین این مظلوم و جنایت را به سعا که ملی دعوت و مجازات نماید. تعظیم بیروح پاک شهید.

نیجات ایران - امروز که روز چهارم شهادت کلر گران بی گناه است از فرار اطلاع شهر تریز هزا برامی کته و کلر گران و آذینخواهان غرق در ماتم و تاسف خواهند بود. ندانیم دولت در تعقیب قاتلین چه اقدامی کرده و غلیل چه ا روزندان است.

مشترکین محترم مرکز و ولایات

رسانه است مقاله (ماوسید ضیاءالدین) را که بتصدیق عموم از شاهکارهای ادبی و سیاسی خوانند. برای هر فرد ایرانی لازم است برای شما فرستاده ایم و بشما خواهیم رسید. از ارسال بهای آن و مدعی خودمان اشتراک روزنامه اینت اداره را خوبت و تشویق فرمائید. و در مقابل این تشویق وادی دین خدمت مهم دیگری بشما در نظر داریم و آن اینست که مستند مقاله (دوم چند چرخ بود) را نیز در دوره سال اول این روزنامه بطبع رسیده و مورد تقدیر و توجه عموم هموطنان بوده و نشریات حساسی را از این روزنامه است قریبا شکل رساله استیمنانه مطبع و تقدیم شما خواهیم نمود منتی است در اجابت این مسئول مشروع تاخیر نفرمائید. (دفتر نیجات ایران)

ترجمه و نگارش خانمی : ساروی

رزالدیا

که با شامین فیه مشغول بودند هر دو بفکر فرو رفته بودند. مگر فکر میکرد که اکنون اکابورس کثیت و دکتر کاتازان در کجا هستند مگر است ناگوایان هر دو و یابکی از آنها در آساندرب ظاهر شوند ولی بزودی بر سر و پوست خود قلبه کرد اما چیزی گذشت که بفکر اسبیت دار تر افتد و آهسته با خود میگفت : « این اسبیت آرزوی برای چه است با کلبیس میاید ؟ » در از همین فکر ناگوایان سر برداشت و زالدیا گفت : « بالاخره شما همی گرفته اید. ای همه هرگز بین اطمینان نکنید. روزالدیا بر سر تکیان داد و ایسته گفت : « بله این بهترین طریقه است. در سالن میخانه کسی نبود کرام دست روزالدیا را در میان دستان خود گرفت و گفت : چند طول خواهد کشید. روزالدیا در حالیکه با انگشت دست زامتنش با گل سرخ گلدهان بازی میکرد گفت :

خبرگزاری

آژانس میلسترو

اگران : برارکی درست است چرا وضع جیره بندی تهران دوزخ روز شراب تر میشود این از تمام واقعات در مردم یابان فردوسی چیست ؟

روز و روزگاری بود چراندن میان از جام خسته ؟ چراسبه گفت و شنید که تیر تیر در آتال بر دم داده اند ؟ چرا با این همه بیباقت هنوز قوششکرمه میماند. رمضان را ندهاند ؟

آیامات ایر نرا مسخره کرده اند ؟ بیچارگی ای و ناچند ؟ « نیجات ایران »

جهت درج در روزنامهها

اهالی رود دشت سالی نسبت بزودج سریع کالاهای اجصاری اظهار تشبیه و تمسین نوده اند.

ضمین تشبیه از سرشاری سریع وجیره بندی قندو چای اهالی رود دشت سلفی فرصت را منتقم شده و مراتب تشکر خود را بدو ابلاغ داشته اند.

اهالی ریزوانند بوسله تلگراف نسبت بزودج کالاهای تصجیره بنی اظهار مراتب تشکر کرده اند.

تلگرافی از طرف اهالی ریزوانند ا بارک اردستان استیذان دانی براندهار رضایت از توزیع کالاهای اجصاری در آن ناحیه واصل گردیده است.

اهالی علی آباد و سلیمان آباد و اردستان از جریان جیره بندی اظهار رضایت و تشکر نوده اند.

تلگرافی از طرف نمایندگان اهالی علی آباد و سلیمان آباد و اردستان برریش کردارانی و اهل شمه که ضمن آن نسبت بزودج سهمیه ها در ضمن رفتار یافته اند.

مسابقه ادبی روزنامه آذیر

هیئت تحریریه روزنامه آذیر نگارش یک داستان ادبی (نول) را در شمعوس وضع اجنبی و کونی ایران بسابقه میگذارد.

حکایت با آقایان ملک الشعراء بهار و سید تقیسی و صادق هدایت و دکتر شفق و بزرگ علوی خواهد بود.

شرائط شرکت در مسابقه

- ۱ - داستان پیش از یک صفحه روزنامه آذیر باشد.
 - ۲ - بنامی ساده نوشته شده باشد.
 - ۳ - اقتباسی نهایی از ادبیات بیگانه نباشد.
 - ۴ - باخط خوشا روی یک صفحه نوشته شده باشد.
- یاد آوری - پشت پاکت قید شود : « راجع بسابقه ادبی آذیر »
- جوایز
- بنویسندگان سه داستان که درجه اول تشخیص داده شود جایزه به ترتیب زیر اعطاء خواهد شد.
- جایزه اول ۳۰۰۰ ریال
 - جایزه دوم ۲۰۰۰ ریال
 - جایزه سوم ۱۰۰۰ ریال
- مدت مسابقه سه ماهست و اول آرد منقضی و با پانزدهم دی نتیجه اعلام میشود.

آگهی حصر وراثت ذویت دوم

بنا بر تاریخ ۲۲/۱/۱۳۴۲ منتهی است فرزندان روح الله سان کی خورین ورامین دایمی ششنامه شماره ۷۸ باستاند و نروست ششنامه و یک برک گواهی نامه گزارشات شماره ۲۲ - ۱۳۴۲ بدین توضیح گواهی وراثت را خواستار شده - روح الله سیاه منصوری که جایگاه هیشکی او در قریه خورین بوده در تاریخ ۱۳۲۱ عبدالله و عزیزان و فرزندان و در زمان دور و خرابان و نایج و سلطنت و بیگانه دانی بانو کورک - پس از ششین گواهی که هات مرتب را در مدت سه ماهه بدین نامی بیکبار در در مجله رسمی و یکی از روزنامه های طهران آگهی می نماید چنانچه نسبت برواثت و انحصار آن خواستار باشد و ا وصت نامه از متوفی در نزد محسوس موجود تا کنون ابراز نداشته است از تاریخ شش نخستین آگهی وخواستار و ا وصیت نامه را در طرف مدت قید شده بدادگاه تقدم دارد و با گذشتن مدت استانه وصیت نامه رسمی و سری بدینترتیب خواهد شد گواهی شایسته صادر میشود دادرس دادگاه بدین شرح ورامین - جعفر کیا

ش ۷۱۳۶/۲

امید وارم که زیاد طولانی نشود هر چه زود تر باید آن تلگراف را برسد تا کرام که امید وار بود بتواند او را بعرف وادار برسد اما شایخیال میباید که او اکنون برای آمدن باو بایستی بکشتی نشسته است باهنرز به سانرا سیکو فرسیده ؟ من امیدوارم که تاکنون بکشتی نشسته باشد که زود تر بیاید اما خواهش میکنم که راجع انا صحبت نکنید. ناگوایان فکری بظاهر کرام گذشت که روح بدکنی را و در او تضرک میکرد سپس خود را بشدلی راجتی انداخته آهی کشید و گفت : شبا او را دوست دارم : آری من او را بیش از همه کی دوست دارم اما نه آن دوستی که شما پنداشته اید بلکه او را مانند قاضی نزدیک خود دوست دارم. او قوم و خویش من است. بد ما منت آنکه بی اندازه آزرده شده بودیم. حالیکه از جای خود بر میخواست گشت. چند دفعه خواهش کرده ام که از او صحبت نکنید مهربانم بعضی اینکه بیکه تیره سکت شدم باز هم راجع باو حرف بزنید بهر حال من باید سر وضع خود

تصحیح و رفع اشتباه

تصحیح و رفع اشتباه

شماره ۸۸ روزنامه هفتگنی ترقی مة لهای تحت عنوان موضوع زیر خوردن مدرس آتل از روزنامه رنسانس ایران

ملاحظه شد که قسمت هانی از مندرجات آن دروغ محض و نسبت صرف بود اولاً معلوم نیست از آرشبو مرحوم تیور تاش که غرض از هر مرموزی مرموز تر بود یا نه؛

و احتمال دارد بشود که کساحکی باشد - یعنی آنکه این نامه ساختگی باشد قدر مسلم است که کبکی از درون تیور تاش راجع معطال معقلی تیور تاش پورت میرسد این را - یعنی تا چه حد قرومابه و بی اطلاع و مغرض است لحن را بوردت او خود بهترین گواهاست؛

ما بقسمتهای مختلف این گزارش جاسوس ما آناه هر قدر میزادیم در باب مسدود و تاراداد یک دروغ و نسبت شاخ داری و نهنه است بتقل آن می بردیم -

هی فوید - چون برای کشف هر تکسین (مقصود هر تکسین سرور مدرس است) اقدامی نشده همه مردم نسبت این سوء قصد ایهقات عالی (یعنی سر دار

سید دادند و ضامن مدرسیکه بواسطه طرفدار از انونق الدوله و قرار داد با انگلیس در ۱۹۹۹ در حقیقت مرده بود وجهه

فوق العاده ای را در اشد که صورت نویسیم کس تا بجعل دارا شده باشد

اگر این کاغذ و اقمیت داشته باشد خود تیور تاش از خواندن این جمله به ریش نویسنده ای اطلاع آن خندیده است زیرا داد خان مدرس و تراداد را هر چه

تصحیح و رفع اشتباه
شماره ۸۸ روزنامه هفتگنی ترقی مة لهای تحت عنوان موضوع زیر خوردن مدرس آتل از روزنامه رنسانس ایران
ملاحظه شد که قسمت هانی از مندرجات آن دروغ محض و نسبت صرف بود اولاً معلوم نیست از آرشبو مرحوم تیور تاش که غرض از هر مرموزی مرموز تر بود یا نه؛
و احتمال دارد بشود که کساحکی باشد - یعنی آنکه این نامه ساختگی باشد قدر مسلم است که کبکی از درون تیور تاش راجع معطال معقلی تیور تاش پورت میرسد این را - یعنی تا چه حد قرومابه و بی اطلاع و مغرض است لحن را بوردت او خود بهترین گواهاست؛
ما بقسمتهای مختلف این گزارش جاسوس ما آناه هر قدر میزادیم در باب مسدود و تاراداد یک دروغ و نسبت شاخ داری و نهنه است بتقل آن می بردیم -
هی فوید - چون برای کشف هر تکسین (مقصود هر تکسین سرور مدرس است) اقدامی نشده همه مردم نسبت این سوء قصد ایهقات عالی (یعنی سر دار سید دادند و ضامن مدرسیکه بواسطه طرفدار از انونق الدوله و قرار داد با انگلیس در ۱۹۹۹ در حقیقت مرده بود وجهه فوق العاده ای را در اشد که صورت نویسیم کس تا بجعل دارا شده باشد
اگر این کاغذ و اقمیت داشته باشد خود تیور تاش از خواندن این جمله به ریش نویسنده ای اطلاع آن خندیده است زیرا داد خان مدرس و تراداد را هر چه

آگهی
دومین مسابقه بینک بونک هورلد آرزور شنبه چهارم شوم بورما آغاز میگردد که در میان آن دو مسالمت یکی ارستینا خواهد بود. شرکت در مسابقه برای همه آزاد است برای تین تمام و دریافت کارت ورودی بران شامای مساقه بدقت مجله هورلد خیابان فردوسی مراجعه نمایند. (ش ۷۲/۷۲)

آگهی
سید عبدالعظیم قیبهی شیرازی
در اری برهانه و کالت درجه اول با چهارده سال خدمات قضائی در تمام مراحل قبول و کالت نمایندگی
نشانی - خیابان ایران جنب معبکه آفای دکتر قیبهی شیرازی تلفت ۶۴۳۴
۳-۳

آگهی
رساله بیست مقاله
ما و سید ضیاءالدین را
بخیرید و بخوانید
چاپخانه تجدید ایران
چگونه نهاد نو دنیان

را اصلاح کنیم چونکه باید بترد دوست شما سلام همیان برویم. هنوز کرام جوابی نداده بود که رزالدیا از سالن خروج شد و بطرف اطاق آرایش رفت وقتی که رزالدیا رفت کرام بفکر فرور رفت و بسا خود آهسته می گفت : قوم و خویش ... اینت اسبیت چه قوم و خویشی است که تا این اندازه برای رزالدیا فشار است. اگر بگویم که او پدر رزالدیاست که درست نیست زیرا پدرش چندین سال پیش فوت کرد و اگر او را برادر رزالدیا بدیم این نیز درست نیست زیرا او را ضعیف نیتود که خواهرش در شهر نشسته در دست شخص بیگانه ای باشد پس می توان رفت که این شخص نامزد و یا شوهر رزالدیا است. کرام از جای خود برخاست و چشمش بر روزنامه روی میز افتاد ناگاه بفکرش رسید که بیند رابطه میوز با روزنامه های آمریکائی بکنجا آید. سپس روزنامه ها را زور را برداشت. در اخبار خارجی اول زلزله ای بود که در ژاپن خسارات زیادی وارد کرد خبر دوم از اختلافات مرزی بین مالک جنوبی بود. در اینبار صنعت سوم یعنی کرام بنام کانابوس کثیت افتاد. در محافل فرانسه سروصدهائی راجع برک ناگهانی رزالدیا ایجاد شده و روزنامه ها در اطراف این خبر تیسرهائی منتشر میکردند.